

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لوامع الأسرار في شرح مطالع الأنوار

قطب الدين محمد بن محمد الرازي

تصحيح تحقيق و مقدمه

دكتور على اصغر جعفري ولنبي

عضو هيأت علمي دانشگاه شهيد مطهري



شماره مسلسل ۸۲۱۸

شماره انتشار ۳۵۵۴

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	: قطب‌الدین الرازی، محمدبن محمد، - ۷۷۶ ق.
عنوان قراردادی	: مطالع الانوار، شرح.
عنوان و نام پدیدآور	: لوامع الاسرار في شرح مطالع الأنوار/ قطب‌الدین الرازی؛ تصحیح، تحقیق و مقدمه دکتر علی اصغر جعفری ولنی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: لظ، ۷۳۲ ص: نمونه.
فروست	: انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۳۵۵۴.
شابک	: 978-964-03-6710-0
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا.
یادداشت	: کتاب حاضر شرح قسم منطق مطالع الأنوار اثر قاضی سراج‌الدین ارموی است.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: سراج‌الدین ارموی، محمودبن ابی بکر، ۵۹۴ - ۶۸۲ ق. مطالع الأنوار - - نقد و تفسیر.
موضوع	: منطق - - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
شناسه افزوده	: جعفری ولنی، علی اصغر، ۱۳۵۴ -
شناسه افزوده	: سراج‌الدین ارموی، محمودبن ابی بکر، ۵۹۴ - ۶۸۲ ق. مطالع الأنوار. شرح.
شناسه افزوده	: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ق ۶ م ۶۰۳ / BBR ۸۲۰
رده‌بندی دیویی	: ۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۰۵۴۴۱

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود.

ISBN-978-964-03-6710-0



9 789640 367100

عنوان: لوامع الاسرار في شرح مطالع الأنوار
تألیف: قطب‌الدین محمدبن محمد الرازی
تصحیح، تحقیق و مقدمه: دکتر علی اصغر جعفری ولنی

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مصحح است»

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

بها: ۳۸۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرش فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: <http://press.ut.ac.ir>

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

فهرست مطالب

مقدمه مصحح..... ط تالط

١. پیش درآمد..... ط

٢. چهره ممتاز ارموی و قطب رازی..... یب

٣. ضرورت تصحیح و تحقیق متن حاضر..... یز

٤. جایگاه تاریخی و اهمیت شرح مطالع..... یح

٥. روند تصحیح متن..... کب

٦. تصاویر نسخه ها..... کو

لوامع الأسرار فی شرح مطالع الأنوار..... ١ - ٧١٨

المقدمة..... ٣

الطرف الأول: فی المنطق..... ١٥

القسم الأول: فی اکتساب التصورات..... ١٥

الباب الأول: فی المقدمات..... ١٧

الفصل الأول: فی الحاجة إلى المنطق..... ١٩

الفصل الثاني: فی موضوع المنطق..... ٤١

الفصل الثالث: فی مباحث الألفاظ..... ٥٦

الباب الثاني: فی مباحث الكلّی والجزئی..... ٩٥

الفصل الأول: فی أقسامهما و أحكامهما..... ٩٧

الفصل الثاني: فی مباحث الجنس..... ١٤٩

الفصل الثالث: فی مباحث النوع..... ١٦٢

الفصل الرابع: فی مباحث الفصل..... ١٧٢

الفصل الخامس: فی مباحث الخاصّة والعرض العام..... ١٨٨

١٩٦	الفصل السادس: فى التعريفات.....
٢١٧	القسم الثانى: فى اكتساب التصديقات.....
٢١٩	الباب الأوّل: فى أقسام القضايا وأحكامها وأجزائها.....
٢٢١	الفصل الأوّل: فى أقسام القضية.....
٢٢٩	الفصل الثانى: فى أجزاء القضية.....
٢٤٢	الفصل الثالث: فى الخصوص والإهمال والحصر.....
٢٨٠	الفصل الرابع: فى العدول والتحصيل.....
٢٩٥	الفصل الخامس: فى الجهة.....
٣٣٤	الفصل السادس: فى وحدة القضية وتعدّدها.....
٣٣٩	الفصل السابع: فى التناقض.....
٣٥٦	الفصل الثامن: فى العكس المستوى.....
٣٨٥	الفصل التاسع: فى عكس النقيض.....
٤١٢	الفصل العاشر: فى القضية الشرطية وأجزائها وجزئياتها.....
٤٤٩	الفصل الحادى عشر: فى تلازم الشرطيات وتعاندها.....
٤٩٧	الباب الثانى: فى القياس.....
٤٩٩	الفصل الأوّل: فى رسمه.....
٥١٢	الفصل الثانى: فى أقسام القياس.....
٥١٨	الفصل الثالث: فى شرائط إنتاج الأشكال الأربعة بحسب كمّية المقدمات وكيفيّتها.....
٥٣٩	الفصل الرابع: فى شرائط الإنتاج بحسب جهة المقدمات و... ..
٥٩١	الباب الثالث: فى الأقيسة الشرطية وتوابع القياس.....
٥٩٣	الفصل الأوّل: فيما يتركّب من متّصلتين.....
٦٣٤	الفصل الثانى: فيما يتركّب من منفصلتين.....
٦٥٧	الفصل الثالث: فيما يتركّب من الحملية والمتّصلة.....

٦٦٧	الفصل الرابع: فيما يتركب من الحملية والمنفصلة.....
٦٧٧	الفصل الخامس: فيما يتركب من المتصلة والمنفصلة.....
٦٨٨	الفصل السادس: فى كيفية استنتاج الحملية من القياسات الشرطية الاقترانية.....
٦٩٨	الفصل السابع: فى القياس الاستثنائى.....
٧٠٣	الفصل الثامن: فى توابع القياس.....
٧٣٢ - ٧١٩	فهارس.....
٧١٩	فهرست اعلام.....
٧٢١	فهرست كتب.....
٧٢٣	فهرست منابع تحقيق.....

مقدمه مصحح

۱. پیش‌درآمد

انسان دارای قدرت تفکر و اندیشه است، اما علم منطق از زمانی آغاز شد که او به وجود قواعد و قالبهایی برای تعقل پی‌برد؛ چراکه بشر از همه طرف عقایدی مختلف و افکاری متشتت او را احاطه کرده است. لذا محتاج راهی است که موجب طمأنینه نفس و سکون قلب شود و میزانی لازم است که عقائد مختلف و آراء متشتت را با آن موازنه توان کرد و حقایق را از اوهام جدا ساخت و محک و معیاری می‌خواهد تا نظریات پراکنده را بر آن عرضه کند و مغشوش را از خالص امتیاز دهد. پر واضح است که هرچه مقاصد انسان مهمتر باشد احتیاج وی به این میزان بیشتر است.^۱ به همین جهت می‌توانیم «عقلانی بودن» را با «منطقی بودن» یکی بدانیم. حکمای اسلامی واژه logic را به منطق ترجمه کردند که از ریشه یونانی آن logos بمعنی «عقل» است و کلمه منطق که معرف نطق، گویائی و خرد است، با آن مطابقت دارد.^۲ در عین حال دقیقاً نمی‌توان گفت انسان از چه زمانی به وجود اینگونه قواعد و قالبها که نشان‌دهنده صورت تفکر و استدلال صحیح است، پی‌برده است.^۳ می‌دانیم که تعقل، عقائد و آراء ما همیشه مصون از خطا نیست؛ لذا مسأله اصلی این است که چه باید کرد تا فکر و تعقل ما از خطا مصون بماند یا اینکه مواضع خطا را چگونه

۱) شهابی، محمود، رهبر خرد، ج ۶. تهران، خیام، ۱۳۶۱، صفحه ۵- و.

۲) ضیاء موحد، منطقی و عقلانیت، مقالات و بررسیها، ۷۵ (۲)، ۱۳۸۳، ص ۱۱- ۱۹.

۳) منطق آغازین در درون یگانه دانش موجود، یعنی فلسفه، تشکیل شد و اساساً خصلتی وجودشناسانه داشت؛ بدین معنی که مستقیماً از نظام اشیاء مایه می‌گرفت نه از سامان افکار. در چنین فضای فکری، سوفیزم بعنوان یک جریان فکری بالنده و مثبت، تفکر فلسفی را یک پله جهش می‌دهد. سوفیزم در تاریخ فلسفه، نقطه عطفی محسوب می‌شود و در آغاز به معنای جدل و سفسطه نیست، اما به تدریج که منحرف می‌شود، سفسطه با روش مغالطی به وجود می‌آید. بنابراین، متفکر از مسیر تفکر منحرف شده و تمامی سعی او در بدست آوردن توانایی اثبات یا ابطال نظریه مخالف بود. (لوین، فلسفه یا پژوهش حقیقت، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتویی، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۱ش، ص ۷۰).

بشناسیم. تاریخ نشان می‌دهد که منطق، ادعای این را داشته که مشتمل بر قواعدی است که اگر بدان عمل شود، ذهن ما از خطا در امان می‌ماند و ارسطو نیز، نخستین کسی است که منطق را تدوین کرده است.^۱ بنای منطقی ارسطو نیز، به قدری رفیع و متین است که اکثر دانشمندان تا چندین قرن پس از او، آن را از هر جهت کامل می‌دانستند، بگونه‌ای که قرنهای متمادی حاکم بر افکار و آراء دانشمندان بوده است. عده‌ای بر این عقیده‌اند که منطق برخلاف رشته‌های دیگر، در طول تاریخ تکاملی نداشته است و تاکنون تنها یک نظام منطقی درخور توجه پدید آمده و آن نظام ارسطویی است. در صورتی که دانشمندان مسلمان پس از آشنائی با منطق ارسطو، به شرح، بسط و ایجاد تغییراتی در آن پرداختند، و ابن‌سینا نخستین کسی است که از جهاتی دگرگونی‌هایی در منطق ارسطویی بوجود آورد که سرمشق اکثر متفکران قرار گرفت. این ابتکارها سرآغاز تأملات جدی متأخرین پیرو ابن‌سینا (مانند غزالی، فخر رازی، خوجی و قطب رازی و ...) در منطق ارسطویی شده است. تکامل و تطور منطق تا حدی ادامه یافت که از مقاومت علوم لغوی و اصول فقه نیز کاسته شد. فکر منطقی در بیشتر زمینه‌های علمی رسوخ یافته و اقامه برهان، مناظره و تطبیق در ریاضی، فلسفه، فقه و کلام تنها به شرط رعایت معیارهای منطقی میسر می‌شد.^۲

منطق به عنوان یک علم دو وجه دارد: اولاً آلت و ابزاری برای فلسفه است، ثانیاً به عنوان یک دانش مستقل مطرح است، زیرا برای درست اندیشیدن، از قاعده و قانون روشمند برخوردار است. هویت ابزاری منطق نیز منافاتی با جنبه استقلال آن ندارد، چراکه معرفت منطق (دانستن قواعد منطق) مقدمه‌ای برای یافتن مهارت منطقی است؛ یعنی درمان خطا که هدف اصلی منطق می‌باشد منوط به مراعات قواعد منطقی است. شیخ‌الرئیس با

(۱) ابن‌سینا، منطق‌الشفاء، (الفسفظة)، تصدیر و مراجعة الدكتور إبراهيم مدكور، قم، ذوی‌القریبی، ۱۴۳۰ق، ص ۱۱۳؛ شهابی، محمود، رهبر خرد، صفحه ط.

(۲) شهابی، محمود، رهبر خرد، صفحه کا - کب؛ عادل فاخوری، منطق العرب من وجهة نظر منطق الحدیث، ص ۵-۱۸؛ نبوی، منطق سینوی به روایت نیکولاس رشر، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۱۱ - ۲۱.

دقت نظر خویش در اشارات دو تعریف از منطق بیان می‌کند تا حد معرفت منطقی را از مهارت منطقی روشن کند. در تعریف نخست: «المراد من المنطق أن يكون عند الإنسان آلة قانونية تعصم مراعاتها عن أن يضلّ في فكره.»^۱ بر هویت ابزاری منطق تأکید دارد و در تعریف دوم: «فالمنطق علم يتعلم فيه ضروب الانتقالات من أمور حاصلّة في ذهن الإنسان إلى أمور مستحصلة وأحوال تلك الأمور وعدد أصناف ترتيب الانتقالات فيه وهيئته جاريتان على الاستقامة وأصناف ما ليس كذلك.»^۲ بر استفاده معرفتی آن تأکید کرده است و با ذکر موضوع و بویژه مسائل روشمند آن، دانش بودن منطق را تصریح می‌نماید. براساس تعریف نخست، منطق هویت ابزاری دارد و تنها با به کاربردن دقیق قواعد عام فکر، ذهن از خطای صوری فکر مصون می‌شود. بر اساس تعریف دوم، منطق دانشی است که به ارزیابی راههای تفکر می‌پردازد و طرق دستیابی به مجهولات به کمک معلومات را به ما می‌آموزد و راههای صحیح و غیر صحیح و نزدیک به صحیح را از هم جدا ساخته و انواع هر یک را بیان می‌کند. در تمامی تعاریفی که پس از ابن سینا ارائه شده، منطق دانشی است دستوری که به بیان بایدها و نبایدها در وادی فکر می‌پردازد؛ یعنی به قواعدی کلی تفسیر شده است که بکارگیری آن، آدمی را از خطای در فکر حفظ می‌کند.^۳

براین اساس در مورد غرض منطق چنین می‌توان گفت: «فالغرض من هذه الصناعة هو تعريف جميع الجهات وجميع الأمور التي تسوق الذهن إلى أن ينقاد لحكم ما على الشيء.»^۴ بنابراین غرض عمده منطق، مصون ماندن آدمی از خطا و اشتباه در تشخیص صورت درست استدلال است.

(۱) ابن سینا، شرح الإشارات والتنبيهات، ج ۱، قم، نشر البلاغة، ۱۴۰۳ق، ص ۸ و ۹.

(۲) ابن سینا، شرح الإشارات والتنبيهات، ص ۱۷ - ۱۹.

(۳) تفتازانی، سعدالدين، تهذيب المنطق، الحاشية على تهذيب المنطق ملاعبده الله يزدي، قم، النشر الإسلامي التابعه لجماعة المدرسين، ۱۴۱۲ق، ص ۷.

(۴) فارابی أبونصر، الألفاظ المستعملة في المنطق، حقه و قدم له و علق عليه محسن مهدي، تهران، افست الزهراء، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۴.

از اینرو تفکر و استدلال عقلانی، منطق محسوب می‌شود و در اهمیت آن همین بس که اثبات اهمیت هرچیز حتی خود منطق، باید بوسیله آن انجام شود؛ لذا تاج تمام علوم و در کاخ بلند دانش به منزله رأس زاویه است که هیچ چیز برتر از آن نیست.^۱ در پژوهشهای علمی، امکان تفکر استدلالی و عقلانی که مستقل از عواطف و خواسته‌های درون باشد به مراتب بیشتر است و تمام کوشش منطق نیز مصروف یافتن بهترین شیوه تحقیق و تتبع، و دوری از ارتکاب خطا و اشتباه است و بدنبال ممارست و مداومت ذهن در حل منطقی مسائل علمی و پیروی از عقل و خرد است که بتدریج تفکر آزاد و منطقی خوی و عادت آدمی شده و باعث تحولی اساسی در وجود آدمی می‌شود که به اوهام، خرافات، مشهورات و مسلمات تن ندهد؛ لذا تنها، حکومت مطلقه عقل و رفتار منطقی است که آدمی را به شناخت علمی پدیده‌های جهان و یافتن شیوه زندگی توانا می‌سازد.

مقدمه مصحح، به‌عنوان نخستین برخورد میان نویسنده و خواننده که می‌تواند تعیین‌کننده واکنشهای آینده باشد، حداقل باید دربرگیرنده زندگی و شخصیت مؤلف، معاصران، اساتید، شاگردان و دیگر آثار و تألیفات او، به همراه معرفی موضوع کتاب، بیان اهمیت و جایگاه آن، و نسخه‌های مورد استناد در تصحیح متن باشد.

۲. چهره ممتاز ارموی و قطب‌رازی

ارموی: سراج‌الدین ارموی (۶۸۲ هـ) یکی از دانشمندان نامور اسلامی به ویژه در منطق و اصول است که در قرن هفتم هجری و مقارن با حکومت ایلخانان مغول می‌زیسته است. بیشتر افرادی که از او سخن گفته‌اند زادگاهش را ارومیه، تاریخ تولدش را ۵۹۴ هـ و نام و کنیه او و پدرش را سراج‌الدین ابوالثناء محمود بن ابی بکر بن حامد بن الأرموی معرفی کرده‌اند. وی در مدرسه نظامیه بغداد درس خوانده و از محضر کمال‌الدین بن یونس (۶۳۹ هـ)، که خود از ائمه علمای اسلام در فقه، اصول، منطق، حکمت و ریاضی بوده، بهره برده است. ارموی پس از مدتی سکونت در موصل و دمشق، به آسیای

(۱) شهابی، محمود، رهبر خرد، صفحه ز - ح .

صغیر مهاجرت کرد و سرانجام به قونیه رفت. وی با علما و بزرگان علم و ادب هم عصر خود مراوده و دوستی داشت و در دربار عزالدین کیکاووس بن کیخسرو بن کیقباد، از سلجوقیان روم، زندگی می کرد و با پشتیبانیهای او به منصب قاضی القضاتی آن دیار رسید. وی در آنجا با مولانا جلال الدین بلخی آشنا شد. روایتهای گوناگون و متضادی از معاشرت بین ارموی و مولوی حکایت شده، اما آنچه مسلم است قاضی سراج الدین بر جنازه مولوی نماز خوانده است. برخی به سبب مقام بالا و نفوذ اجتماعی او به مخالفت برخاستند. سراج الدین تقریباً تا پایان عمر کلاسهای درس خود را برپا نگاه داشت و به سال ۶۸۲ هـ در قونیه درگذشت. ارموی شافعی مذهب بود و گفته اند در جمیع علوم عقلی و نقلی، شافعی ثانی بود.^۱

دوره زندگی ارموی مصادف با شکوفایی منطق بوده که خود نیز تحت تأثیر فخر رازی، در این گسترش و شکوفایی سهمیم است. برخی از مهمترین منطق دانان برجسته همدوره او عبارتند از: افضل الدین خونجی (۶۴۶ هـ)، اثیرالدین ابهری (۶۶۳ هـ)، خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ هـ) و نجم الدین کاتبی (۶۷۵ هـ). از اینرو می توان گفت که شناخت اندیشه های ارموی بدون عطف نظر به اندیشه های معاصران وی، قرین توفیق نخواهد بود.

بیان الحق و لسان الصدق، مطالع الأنوار، لطائف الحکمة (در زمینه حکمت به زبان فارسی)،^۲ التحصیل من المحصول فی علم الأصول (المحصول نوشته فخر رازی است)، لباب الأربعین فی أصول الدین، المناهج و شرح اشارات ابن سینا، شرح کتاب الوجیز غزالی (که درباره فروغ فقه شافعی است) و ... از مهمترین آثار اوست.^۳

۱) خیرالدین الزرکلی، الأعلام، جلد ۱۰، مصر، ۱۳۷۸ - ۱۳۷۳ ق، ص ۴۱؛ خوانساری اصفهانی، روضات الجنات، ج ۸، ترجمه ساعدی خراسانی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۰ ش، ص ۱۱۸؛ ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ ش، ص ۱۲۲۳.

۲) این اثر در ۶۵۵ق تألیف شده است.

۳) تاج الدین ابونصر عبدالوهاب السبکی، طبقات الشافعیة الکبری، ۶ جلد، ج ۵، مصر، ص ۱۵۵؛ اسماعیل باشا البغدادی، هدیه العارفین أسماء المؤلفین و آثار المصنفین، ۲ جلد، ج ۲، استانبول، ۱۹۵۱ - ۱۹۵۵ م، ص ۴۰۶.

قطب رازی: درباره شخصیت، سرگذشت و آثار قطب‌الدین رازی بسیار سخن رفته است. ابوجعفر محمد بن محمد قطب‌الدین رازی بویه‌ی معروف به قطب تحتانی (۷۶۷ هـ)،^۱ یکی از سرآمدان حکیمان الهی و منطقدانان قرن هفتم و هشتم هجری و از اهالی ورامین ری است که در سال ۶۹۲ هـ متولد شده^۲ و پس از مدتی به شامات مهاجرت کرد و در آنجا بالید و در ذی قعدة سال ۷۶۶ هـ نیز در شهر دمشق درگذشت.^۳ بسیاری از شرح‌حال‌نویسان منزلت علمی و مرتبت دانش و پژوهش وی را به ویژه در دو علم منطق و حکمت ستوده‌اند و او را به بزرگی می‌شناسند.^۴ در توصیف جایگاه علمی او می‌توان گفت: «خورشید فضیلتش از مطلع شرح مطالع، طالع، و محکمت حکمتش از افق محاکمات، ساطع است.»^۵

قطب‌الدین رازی یکی از پیشوایان فن معقول و از شاگردان بزرگ قطب‌الدین شیرازی (۷۱۰ هـ) در علوم معقول،^۶ علامه حلی (۷۲۶ هـ) در فقه،^۷ ابوالثناء اصفهانی (۷۴۹ هـ)^۸ و

(۱) در مدرسه ظاهریه دمشق دو قطب ساکن بودند و قطب ما در طبقه پایین سکونت داشت، لذا به قطب تحتانی معروف شد. ر.ک: عبدالرحیم الأسنوی، طبقات الشافعیة، ج ۱، تحقیق عبدالله الجبوری، بغداد، ۱۳۹۰ق، ص ۳۲۲.

(۲) قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، تهران، اسلامیة، ۱۳۷۶ش، ص ۲۱۲.

(۳) تاج‌الدین أبونصر عبدالوهاب السبکی، طبقات الشافعیة الکبری، ج ۹، ص ۲۷۵؛ عبدالرحیم الأسنوی، طبقات الشافعیة، ج ۱، ص ۳۲۳؛ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳، طهران، المکتبة الإسلامیة، ۱۳۸۴ق، ص ۴۴۷ و ۴۴۸؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، بیروت، دار إحياء التراث، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۴۰؛ قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۱۳.

(۴) تاج‌الدین أبونصر عبدالوهاب السبکی، طبقات الشافعیة الکبری، ج ۹، ص ۲۷۵؛ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷ و ۴۴۸؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۴۰ و ۱۸۸؛ خوانساری، روضات الجنات، ج ۶، ص ۴۱ و ۴۲؛ قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۱۳.

(۵) نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۵۲؛ الکنی و الألقاب، ج ۳، ص ۷۱.

(۶) خیر الدین الزرکلی، الأعلام، ج ۷، ص ۱۸۷؛ میرزا عبدالله افندی، ریاض العلماء، ج ۵، تحقیق سیداحمد حسینی، قم، مطبعة الخيام، ۱۴۰۱ق، ص ۱۷۰ و ۱۷۱؛ خوانساری، روضات الجنات، ج ۶، ص ۴۴ و ۴۷.

(۷) خیر الدین الزرکلی، الأعلام، ج ۲، ص ۲۲۷؛ خوانساری، روضات الجنات، ج ۶، ص ۴۱ و ۴۲؛ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷؛ میرزا عبدالله افندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۶۹؛ قاضی

نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۱۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۸-۱۴۰.

(۸) خیر الدین الزرکلی، الأعلام، ج ۷، ص ۱۷۶.

قاضی عضدالدین ایچی (۷۵۶ هـ) می‌باشد و دانشمندان نامداری چون مبارک‌شاه، حاجی پاشا،^۲ سید شریف جرجانی (۸۱۶ هـ)،^۳ سعدالدین تفتازانی (۷۹۴ هـ)^۴ و شهید اول (۷۸۶ هـ)^۵ نیز از جمله شاگردان او هستند.

از آثار قطب رازی می‌توان شرح المطالع،^۶ شرح الشمسیه،^۷ المحاکمات بین شرحی الإشارات^۸ (که محاکمه بین شرح فخررازی و خواجه طوسی بر اشارات است)، الرسالة القطبیه فی التصور والتصدیق،^۹ رساله فی تحقیق المحصورات،^{۱۰} رساله فی تحقیق الکلیات،^{۱۱}

-
- (۱) خیر الدین الزرکلی، الأعلام، ج ۳، ص ۲۹۵.
- (۲) خیرالدین الزرکلی، الأعلام، ج ۲، ص ۳۰۷؛ حاجی خلیفه، کشف‌الظنون عن أسامی‌الکتب والفنون، ج ۲، استانبول، ۱۳۶۰ ق، ص ۱۷۱۶.
- (۳) خیرالدین الزرکلی، الأعلام، ج ۵، ص ۷؛ میرزا عبدالله أفندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۷۰ و ۱۷۱؛ قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۱۷؛ خوانساری، روضات الجنات، ج ۶، ص ۴۴.
- (۴) خیر الدین الزرکلی، الأعلام، ج ۷، ص ۲۱۹.
- (۵) خیر الدین الزرکلی، الأعلام، ج ۷، ص ۱۰۹؛ میرزا عبدالله أفندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۷۰؛ قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۱۳؛ خوانساری، روضات الجنات، ج ۶، ص ۴۲؛ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷ و ۴۴۸؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.
- (۶) حاجی خلیفه، کشف‌الظنون، ج ۲، ص ۱۷۱۵؛ آقابزرگ طهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۸، بیروت، دار الأضواء، ص ۳۵۹.
- (۷) حاجی خلیفه، کشف‌الظنون، ج ۲، ص ۱۰۶۳؛ آقابزرگ طهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۳، ص ۳۸۸؛ ج ۱۳، ص ۳۷۷. این دو کتاب به دلیل شرح‌ها، شرح شرح‌ها یا حاشیه‌هایی که بر آنها نگارش یافته، از چنان اهمیتی برخوردار شدند که سایر آثار منطقی را تحت الشعاع قرار دادند.
- (۸) حاجی خلیفه، کشف‌الظنون، ج ۱، ص ۹۵؛ آقابزرگ طهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۶، ص ۱۹۲.
- (۹) حاجی خلیفه، کشف‌الظنون، ج ۱، ص ۸۵۳؛ آقابزرگ طهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۱۹۸؛ ج ۱۱، ص ۲۲۲. قطب‌رازی در بحث «فی الحاجة إلى المنطق» (فصل نخست از باب نخست از قسم نخست) همین کتاب از این رساله نام برده و ارجاع داده است.
- (۱۰) میرزا عبدالله أفندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۷۲. قطب‌رازی در بحث «فی تحقیق المحصورات» (فصل سوم از باب نخست از قسم دوم) همین کتاب از این رساله نام برده و ارجاع داده است.
- (۱۱) حاجی خلیفه، کشف‌الظنون، ج ۱، ص ۸۸۶؛ قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۱۳؛ میرزا عبدالله أفندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۷۰. قطب رازی دو بار در بحث «کلی و جزئی» (فصل نخست از باب دوم از قسم نخست) و یک بار در بحث «فصل» (فصل چهارم از باب دوم از قسم نخست) همین کتاب از این رساله نام برده و ارجاع داده است.

شرح الحاوی الصغیر،^۱ حواش علی القواعد^۲ و حواش علی تفسیر الکشاف^۳ نام برد.

قطب‌الدین رازی همانگونه که از یافته‌های اندیشه پیشینیان خود چون ارسطو، فارابی (۳۳۹ هـ)، ابن‌سینا، خونجی، کاتبی و خواجه طوسی سود جست، به‌همانسان در قلمرو افکار و آثار اندیشمندان پس از خود نیز تأثیرگذار بوده است. او ضمن احاطه کامل بر آراء و نظرات منطق‌دانان، سعی داشت بین اندیشه‌های منطقی گوناگون حکمیت کرده و اختلاف قرائت‌های منطق‌دانان قرن پنجم مثل غزالی (۵۰۵ هـ) و ابوالبرکات بغدادی (۵۶۶ هـ)، و قرن ششم مثل فخر رازی، و قرن هفتم مثل خونجی، ارموی و کاتبی قزوینی (۶۷۵ هـ) از منطق ابن‌سینا را به دست آورده و مورد نقد و بررسی قرار داده و خود در نهایت ارائه نظر کند. شرح مطالع - که کتاب مهم و مفصل منطقی پس از قرن هفتم است - به تحلیل و نقد آراء منطقی سه قرن با دانشمندی چون فخر رازی، خونجی، ارموی و کاتبی قزوینی پرداخته و مباحث و مسائل مطرح‌شده این سه قرن را به‌نحو انتقادی تحلیل می‌کند. در نهایت قطب رازی توانست آنها را با هم درآمیخته و مشعل حکمت و فلسفه را از گزند تندباد زمانه محفوظ دارد.^۴

-
- (۱) حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۶۲۶؛ عبدالرحیم الأسنوی، طبقات الشافعیة، ج ۱، ص ۳۲۳. (کتاب الحاوی در فروع فقه شافعی از نجم‌الدین عبدالغفار قزوینی شافعی است.)
- (۲) آقابزرگ طهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۷، ص ۱۰۲؛ قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۱۳؛ خوانساری، روضات الجنات، ج ۶، ص ۴۳؛ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۸؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۴۱. (کتاب قواعد الأحکام از آثار استادش علامه حلی است.)
- (۳) حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۴۷۸؛ تاج‌الدین أبونصر عبدالوهاب السبکی، طبقات الشافعیة الکبری، ج ۹، ص ۲۷۵؛ عبدالرحیم الأسنوی، طبقات الشافعیة، ج ۱، ص ۳۲۳. (تفسیر کشف از تفاسیر معروف از آن زمخشری است.)
- (۴) نیکلاس رشر، سیر تحول منطق عربی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۴ و ۱۹۵.

شرح تفصیلی حال و مقال ارموی و قطب رازی - بیش از این - در مقدمه تصحیح یک اثر نمی‌گنجد، لذا برای آگاهی بیشتر در این باره، می‌توان با مراجعه به منابع معتبر و مطالعه آنها، تصویر روشنتری از شخصیت علمی و عملی آن حکیم به دست آورد.^۱

۳. ضرورت تصحیح و تحقیق متن حاضر

منطق در بین مسلمانان قبول عام یافته است و کمتر حوزه فکری را می‌توان یافت که مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر آن نباشد. در واقع منطقدانان اسلامی، تأثیر بارزی در تکمیل و تطور منطق ارسطویی دارند.^۲ در این طریق کتابهای معتبری نیز در این موضوع تألیف شده است اما بسیاری از یافته‌های اصیل منطقدانان مسلمان در تألیفات منطقی^۳ هنوز به صورت نسخه خطی در پرده‌ای از ابهام باقی مانده یا در میان انبوه نوشته‌های منطقی پراکنده‌اند و تا استخراج نشوند قدر و منزلت آنها روشن نخواهد شد. یکی از مهمترین آنها شرح مطالع اثر قطب‌الدین رازی است که به‌عنوان آئینه تمام‌نمای تفکر منطقی و شرحی جامع از اندیشه‌های منطقی ما در تاریخ منطق می‌درخشد. این کتاب از بدو تألیف آن، جزء کتب مهم درسی در حوزه‌ها بوده است^۴ و اگرچه چندین بار چاپ سنگی شده است اما تصحیح منقّحی از آن تا به حال صورت نگرفته است؛ لذا همین عامل، انگیزه تصحیح متن پیشرو می‌باشد.

(۱) شیخ حر عاملی، أمل الآمل، تحقیق سید احمد حسینی، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۵ق؛ سید محسن امین، أعيان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ق؛ میرزا عبدالله أفندی، ریاض العلماء، ص ۱۶۷؛ ابن عماد، شذرات الذهب، مصر، مکتبة القدسی، ۱۹۵۷م؛ خوانساری اصفهانی، روضات الجنات، ج ۶، ص ۳۷۳-۳۸۱؛ عباس قمی، مشاهیر دانشمندان اسلام، ترجمه محمد شیرازی، اسلامیة، ۱۳۵۱ش، ص ۱۵۰.

(۲) شهابی، محمود، رهبر خرد، صفحه کا - کج.

(۳) درحقیقت غالب مسائل جدید در کشف الأسرار و الشمسیة به‌صورت مختصر و در مطالع الأنوار و شرح قطب‌الدین رازی بر آن به‌صورت مبسوط طرح شده است.

(۴) اگرچه امروزه تدریس متونی اصیل مانند شرح‌المطالع در حوزه‌ها به دست فراموشی سپرده شده‌اند و در دانشگاهها نیز به جزواتی چند صفحه‌ای به نام منطق بسنده می‌کنند.

علاوه براین، عدم دسترسی آسان به بسیاری از منابع مورد استفاده قطب رازی در شرح مطالع از جمله آثار منطقی قرن هفتم (که از مهمترین منابع این اثر است و اکثراً به صورت خطی باقی مانده‌اند)، نقد و بررسی آراء منطقی و چگونگی طرح مباحث توسط او را به مناقشه جدی می‌کشاند و از سرعت و دقت پژوهش در این باب می‌کاهد. از آنجایی که تحلیل تطبیقی آراء منطقی، مسبوق به آشنایی عمیق با متون اصلی منطق است و با توجه به اولویت اهمیت به عمق بخشیدن پژوهش، به تصحیح انتقادی یکی از مهمترین کتب منطقی دوره اسلامی یعنی شرح‌المطالع پرداختیم، چرا که خواست بهره‌گیری از پیشینه تاریخی، درگرو احیای آثار گذشتگان و تصحیح و تحقیق کتب آنهاست و یگانه راه مطمئن تحقیق در میراث علمی اسلام، شناسایی، تصحیح و نشر متون اصیل است، به‌گونه‌ای که همگان به آسانی بتوانند به میراث گرانبهای پیشینیان به عنوان سند هویت و شناسنامه شخصیت تاریخی مراجعه کرده و بهره ببرند.

تحلیل تطبیقی آراء، مسبوق به آشنایی عمیق با متون اصلی است. در نحوه تصحیح حاضر تلاش می‌کند در حد ملاکهای علمی و با روش قیاسی یا توأم از میان روشهای سه‌گانه تصحیح، متن منقحی از کتاب شرح مطالع براساس معتبرترین نسخه‌های این اثر تقدیم نماید تا مبنای تحلیل و تطبیق آراء منطقی قطب‌الدین رازی باشد.

۴. جایگاه تاریخی و اهمیت شرح مطالع

بی‌تردید شرحها^۱ از اهمیت زیادی برخوردار هستند، زیرا برخی از آنها - با اینکه متضمن آراء جدیدی نیستند - با نگرش جدیدی (در قالب افزوده‌ها، اصلاحات و توضیحات) به همان آراء گذشته پرداخته‌اند، نگرشی که از دید نویسندگان اصلی هم پوشیده بوده است. علاوه براین برخی از شارحان از متن نصوص تجاوز کرده و آراء دیگران را نیز مطرح ساخته‌اند تا امکان تطبیق بین آنها فراهم شود. از مشهورترین این شارحان می‌توان به

(۱) حجم وسیع شروح، حواشی، تعالیق و تفاسیر، نشانگر دوره اوج و نمودی از به پایان رسیدن تکامل منطق در جهان اسلام است.

قطب‌الدین رازی، میر سید شریف جرجانی و دوانی (۹۰۸ هـ) اشاره کرد که آراء شمسیه و مطالع‌الأنوار را غنا بخشیده‌اند. در تبیین جایگاه تاریخی و اهمیت شرح مطالع، سؤالی مطرح می‌شود و آن اینکه به‌طور کلی، با وجود کتابهای منطقی چون *شفا* و *اشارات*، چرا آثار منطقی بعدی (مانند شرح مطالع) تألیف شده‌اند؟

در پاسخ می‌توان گفت: از سویی آثار منطقی که پس از *شفا* نگارش یافته، بیشتر شرح *شفا* یا ابداع روشهای تعلیم منطقی بوده‌اند تا ابداع مسائل منطقی. در این طریق می‌توان به آثاری چون *التحصیل*، *مقاصد الفلاسفة*، *کشف الأسرار*، *الجواهر النضید*، *مطالع‌الأنوار*، *الشمسیة*، *المنظومة* و ... اشاره کرد. از سوی دیگر همه آثار منطقی متأخر، شرحی بر *شفا* و یا روشی نو در تعلیم منطقی نبوده‌اند، بلکه برخی نیز به نقد و جرح آن پرداخته‌اند. به علاوه، با پیدایش این آثار انتقادی، زمینه برای نگارش کتابهای بعدی فراهم‌تر شد، بویژه از این جهت که آثار ابن‌سینا مقبولیت تام یافته بود. از اینرو کسانی چون خونجی، خواجه طوسی، ارموی، کاتبی، قطب‌رازی و ... ضمن تألیف کتب منطقی که پس از تصنیف، جزو کتب درسی منطقی درآمد، بیشتر توان خود را در پاسخگویی به ایرادات فخر رازی و یا حکمیت بین آراء وی و ابن‌سینا مصروف داشتند. در این زمینه می‌توان به تألیفات چون *شرح الإشارات و تقدّم‌المحصّل* خواجه، *کشف الأسرار خونجی*، *بیان‌الحق ارموی*، *محاکمات و شرح‌المطالع قطب‌رازی* و ... اشاره کرد.

در نتیجه، تألیف آثار منطقی متأخر از *شفا* و *اشارات*، از جمله شرح‌المطالع، ضمن دفاع از آراء ابن‌سینا، در طریق تهیه یک متن آموزشی خوب بوده است.^۱ علاوه بر این، به جهت فراهم بودن زمینه ابراز نظرات مختلف و در مقام حکمیت بین آراء ابن‌سینا و دیگران، در برخی موارد به تحلیل، نقد و ارزیابی آراء ابن‌سینا نیز پرداخته و آماده است تا در مواردی از ابن‌سینا فاصله بگیرد، اگرچه او (همچون منطقدانان قرن ششم و هفتم مانند

(۱) آموزش‌های منطقی در این دوره از امتیاز خاصی نسبت به همه بحثهای فلسفی برخوردار بود تا جائی که همت بیشتر دانشمندان، تنها صرف منطقی شد و این امر در زمانی که دانشمندان معمولاً در بیش از یک علم تخصص داشته‌اند، قابل توجه است.

فخر رازی و خونجی) این کار را درون سنتی انجام می‌دهد که آثار ابن سینا را اصل و به عنوان نقطه عزیمت انتخاب می‌کند.

علاوه بر این از ویژگیهای رایج نوشته‌های منطقی قرون هفتم و هشتم این است که توجهی به این پرسش ندارند که رأی خاصی را نخستین بار چه کسی مطرح کرده است، به‌ویژه وقتی که آن نظر تلقی به قبول شده باشد.

قطب‌الدین رازی در مقدمه شرح‌المطالع، ضمن بیان جایگاه و اهمیت این کتاب در میان کتب منطقی، به تفصیل از هدف و غرض خود از انتخاب آن سخن گفته و با معرفی ترتیب بخشهای مختلف، ساختار تدوین کتاب را توجیه کرده است.^۱

شاید بتوان گفت شرح‌المطالع کتابی است که بعد از آن، کمتر کتابی به ژرفای آن پدید آمده و جایگاه والایی در سیر تطور منطق در حوزه فرهنگ اسلامی دارد. در حقیقت این کتاب به صورت یکی از مهمترین منابع آموزشی در مدارس حوزه‌های فلسفی درآمد و شروح، حواشی و تعلیقات گوناگون بر این کتاب نیز، از اهمیت فراوان آن نزد منطق‌خوانان حکایت می‌کند.^۲

شرح‌المطالع که در دو قسم منطق تصورات و منطق تصدیقات تألیف شده و به‌عنوان متن آموزشی قبول عام یافته است، می‌تواند آئینه تمام‌نمای تفکر منطقی ما از ابن سینا تا قطب‌رازی باشد؛ یعنی با وجود اینکه نقطه شروع بحثهای آن تقریباً همیشه ابن‌سیناست و قطب‌رازی در این کتاب، نوآوریهای ابن‌سینا را در منطق که مورد انکار برخی منطقیون ارسطویی بود، می‌پذیرد، اما برخی مواضع ابن‌سینا را نیز اصلاح و تعدیل می‌کند.

(۱) متن، ص ۳ - ۱۶.

(۲) حاجی خلیفه، کشف‌الظنون، ج ۲، ص ۱۷۱۶ - ۱۷۱۷؛ میرزا محمد علی مدرس تبریزی، ریحانه‌الأدب فی تراجم‌المعروفین بالکنیه أو اللقب، ۸ جلد، ج ۱، ص ۲. تبریز، ۱۳۴۹ ش، ص ۱۰۹.